



## بررسی ممنوعیت شکنجه و اقرار ناشی از آن در حقوق بین الملل، فقه و حقوق جزایی ایران<sup>1</sup>

چکیده- از مهم ترین دستاوردهای حمایت بین المللی از حقوق بشر، منع و مبارزه با شکنجه است و یکی از شدیدترین جرایمی است که در دهه های اخیر هم در حقوق داخلی بسیاری از کشورها و هم در حقوق بین الملل، مورد توجه قرار گرفته و جرم حقوق بشری به شمار می رود. قانونگذار در اصل سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، شکنجه را در ابعاد روحی و جسمی آن ممنوع دانسته و در نظام حقوقی اسلام نیز ضمن نهی شکنجه، برای انجام آن کیفر تعیین شده است. بررسی این مسأله از منظر حقوقی و اینکه موضع شریعت اسلامی در قبال شکنجه چیست و رویکرد (به طور خاص فقه شیعی) در قبال این موضوع چگونه تبیین می گردد، به عنوان یکی از مسائل مهم در عرصه بین المللی و ملی محسوب می شود که دارای آثار علمی و عملی فراوانی بوده و لذا باید به گونه ای جدی مورد توجه قرار گیرد. این مقاله به اختصار به این امر مهم می پردازد.

کلمات کلیدی: شکنجه، حقوق اسلام، حقوق بشر، ممنوعیت شکنجه

<sup>1</sup> مهدی پوررضا، کارشناس ارشد فقه و حقوق، قاضی دادگستری استان گلستان [mehdipourreza60@yahoo.com](mailto:mehdipourreza60@yahoo.com)



**مقدمه** - شکنجه از دیر باز به عنوان یکی از کوتاه ترین شیوه های نیل به مقصود به ویژه در دادرسی های کیفری و به انگیزه اخذ اعتراف و یا انکار اعتقاد و...مورد توجه ارباب قدرت بوده است (Christine Sen, 1998:338). این اقدام در گذشته ای نه چندان دور نه فقط فاقد وصف جزایی بوده بلکه به صورت اقدامی مشروع و قانونی قلمداد می گردید، اگرچه ادیان الهی همواره بر ممنوعیت آن تاکید و تصریح داشته اند. وجود جرائمی مانند کشتارهای جمعی، تبعیض نژادی، فقر، گسترش فساد و فحشاء، مواد مخدر، قاچاق انسان .. نشان می دهد که جوامع انسانی همواره در معرض نقض فاحش حقوق بشر قرار دارند و صیانت از کرامت انسانی نیازمند، ساز و کارهای عملی برای تحقق آرمان های مشترک بشریت نظیر صلح، امنیت و رفع تبعیض می باشد. صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر گامی است که جامعه انسانی در این راه برداشته است. با نگاهی به تاریخ حیات بشر صحنه های تلخ تجاوز به وضوح دیده می شود. در میان انواع تجاوز به حقوق انسان ها، شکنجه آسیب شدیدی به حیثیت ذاتی کرامت انسان وارد کرده است. در این مقاله تلاش شده که ضمن پرداختن به مبانی ممنوعیت شکنجه، این جرم، از جنبه های مختلف فقهی و حقوقی مورد بررسی قرار گیرد تا تصویری روشن، از تلقی فقه جزایی، نسبت به مفهوم شکنجه و مرزهای مشروعیت تعذیب غیر، تبیین گردد. به این منظور از نظریات فقهای اسلامی از گرایشهای متنوع مذهبی و تعلقات فرقه ای و دیدگاه حامیان حقوق بشر، استفاده شده است.

## 1- تعریف لغوی شکنجه

در فرهنگ ناظم الاطباء، شکنجه به معنای آزار، ایذاء، رنج، تعذیب، عقوبت و سیاست آمده است. (نفیسی، 2068:1303) بعضی از مفسران اسلامی شکنجه را اخص از هر نوع رنج و عذاب دانسته و فارق بین شکنجه و اذیت و آزار، استمرار رنج و درد در شکنجه توصیف نموده اند. شیخ طوسی در تعریف شکنجه آورده است: (والتعذیب، ایقاع العذاب لصاحبه والعذاب الم یستمر به) (شیخ طوسی، 6:1358) برخی مفهوم شکنجه را در ایلام بدنی غیر به هر وسیله مادی منحصر کرده اند (فاروقی، 698:1368) و گروهی دیگر علاوه بر ایلام بدنی، ایذا روحی و روانی را از مصادیق شکنجه دانسته بر لزوم شدت ایذاء (Hawkins, 1989) که ممکن است با وسایل غیر مادی نیز واقع گردد تاکید نموده اند.

## 2- تعریف فقهی شکنجه

در مصطلحات و الفاظ فقهی از شکنجه غالباً با واژه «التعذیب» بحث می شود. از لحاظ لغوی واژه «التعذیب» مصدر عذَّب، یعذَّب بوده و اصل عذاب در کلام عرب به معنی ضرب (زدن) می باشد و در تمامی عقوبت‌هایی که همراه درد و رنج اند به



کار برده می شوند. این واژه برای بیان امور شاقه و بسیار سخت و دشوار عاریه گرفته شده است. المناوی هم این واژه را به معنی کثرت ضرب به وسیله شلاق تعریف کرده است. جایگاه و محل بحث از شکنجه در فقه چندان روشن نبوده؛ زیرا بسیاری از فقها اصلاً چنین بحثی را مطرح نکرده‌اند و برخی آن را نه به عنوان مسأله و موضوعی مستقل، بلکه به عنوان امری فرعی و تبعی به شکلی اجمالی در خلال مباحث مختلفی چون کتاب الجهاد (حسینی الشیرازی، 1367: 197) کتاب التعزیرات (متظری، 1379: 573 به بعد)، کتاب القصاص (لنکرانی، 1380: 319) کتاب الحدود مطرح نموده‌اند. بنابراین در تبیین موضع فقها در قبال مسأله شکنجه عناوینی چون التعذیب، ایذاء و .. توجه به تفکیک خاص ضرورت دارد و آن تفکیک این که واژگان مزبور گاهی برای بیان نوع روابط بین افراد با یکدیگر یا افراد با حیوانات و گاهی برای بیان روابط بین دولت (حاکم، حاکمیت و حکومت) با افراد بکار گرفته می‌شود، لذا همواره مراد از تعذیب و کلمات مشابه در کلام فقها شکنجه مصطلح به معنای حقوقی (حقوق بشری) نیست. (حسینی الشیرازی، 1367: 197)

### 3- تعریف حقوقی شکنجه

شکنجه هر نوع آزار و اذیت بدنی و روحی است که مأموران دولتی به شخصی که متهم به ارتکاب جرم و یا در مظان اتهام است وارد می‌کنند تا از او اقرار گیرند و یا اطلاعاتی را از او به دست آورند. در اصطلاح حقوقی، شکنجه را تحمیل رنج فیزیکی یا روحی بر شخص به منظور اخذ اقرار از او تعریف کرده اند بعضی دیگر نیز هر نوع اقدام غیرقانونی که شخص را از نظر جسمی و روحی در فشار قرار می‌دهد تا مطالبی برخلاف میل و اراده باطنی اش بیان کند، شکنجه محسوب نموده اند. (اردبیلی، 1383: 131). استاد لنگرودی می‌گوید: شکنجه ایراد آزار به متهم و غیر متهم است تا اقرار به بزه و یا تعهدی کند. (جعفری لنگرودی، 1378: 2301) با استنباط از قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران، شکنجه را می‌توان چنین تعریف کرد: هر نوع اذیت و آزار بدنی که مأموران دولتی یا صاحبان مقام رسمی و عمومی در حین انجام وظیفه و یا به مناسبت شغل خود به قصد گرفتن اقرار از متهم شوند. از ایرادات مهم وارد بر تعریف شکنجه در نظام حقوقی ایران، انحصار آن به مامورین و مستخدم رسمی دولتی است.

### 4- حکم شکنجه از منظر فقه

به طور کلی تعذیب و ایذاء انسان نسبت به انسان دیگری به عنوان اولی در شرع حرام بوده و نزد عقل و عقلاء قبیح و ظلم است و بنابراین هیچ کس نباید دیگر افراد بشر را به هر شکلی مورد عذاب و اذیت قرار دهد. این موضع‌گیری کلی در قبال



تعذیب حکم تمامی فقها بوده و بر آن دلایل نقلی و عقلی متعددی اقامه می‌نمایند. چنین موضعی به شکل کلی شامل دو شق اول مصداق تعذیب (یعنی تعذیب انسان نسبت به انسان دیگر و انسان نسبت به حیوان) و شق اخیر آن (یعنی تعذیب افراد توسط دولت با عوامل دولتی) یا به طور دقیق‌تر تعذیب به معنای شکنجه به عنوان مصطلحی حقوقی می‌شود اما وقتی به گونه‌ای دقیق، نظر فقها در ارتباط با حکم شکنجه (به معنی اصطلاحی) را ملاحظه می‌نماییم با دو رویکرد متفاوت مواجه می‌شویم: نخست رویکرد فقهای که شکنجه افراد توسط حاکم [دولت] را تنها در برخی موارد خاص جایز می‌دانند. دوم رویکرد فقهای که ممنوعیت و حرمت شکنجه را به طور مطلق دانسته و در هیچ شرایطی بهره‌گیری از چنین شیوه‌ای را مجاز ندانسته و آن را حرام میدانند. (حسینی طهرانی، 1368: 225-223). ظاهراً تفاوتی در حکم این مسأله از حیث مذهب، جنسیت، رنگ، نژاد و سایر خصوصیات وجود ندارد و شکنجه انسان چه مرد باشد یا زن، کافر یا مسلمان، سفیدپوست یا رنگین پوست و .... به طور یکسان حرام بوده و جایز نیست. نه تنها شکنجه انسان حرام و غیر جایز است بلکه حتی تعذیب حیوان نیز از منظر فقهی بدون غرض عقلایی و مشروع حرام بوده و جایز نیست. (شهید ثانی، 1356: 483؛ علامه حلی، 1368: 14). علاوه بر این، تفاوتی در حکم مسأله از این جهت که شکنجه از کدام یک از اقسام شکنجه اعم از شکنجه جسمی و فیزیکی نظیر زدن، قطع اعضاء، جرح و از بین بردن منافع. یا شکنجه غیر جسمی و روحی نظیر به کارگیری کلام زشت، دشنام، تمسخر و.. باشد، وجود ندارد. در این امر که اعتراف و اقرار ناشی از شکنجه از حیث شرعی فاقد ارزش و اعتبار است نیز اشکالی وجود ندارد و این مسأله نیز مورد اتفاق بوده و تأیید این حکم در روایاتی که بر رفع آنچه بدان مکره شده‌اند آمده (منتظری، 577:1379).

## 5- حکم شکنجه از منظر حقوق بین الملل

در سطح بین المللی نیز به لطف ترویج اندیشه های انسانی و پیشرفت نهضت جهانی حقوق بشر، شکنجه به عنوان یکی از موارد نقض آشکار حقوق انسانی و لطمه به شرافت و سلامت جسمی و روانی افراد محکوم شناخته شد. از حیث تاریخی، منع شکنجه و نهی رفتار غیر انسانی به نظر با حقوق بشردوستانه و به طور مشخص با کد لیبر مصوب 1863 در زمان جنگ های داخلی آمریکا آغاز می شود. کد لیبر ضمن منع هر گونه رفتار وحشیانه با اسیران جنگی، شکنجه افراد دشمن را به منظور کسب اطلاعات اکیدا نهی می کند. اسناد حقوق بشر دوستانه مربوط به قبل از جنگ جهانی اول همین حکم را در باب اسیران دارند (اعلامیه بین المللی مربوط به قوانین و رسوم جنگ مصوب کنفرانس 1874 بروکسل و کنوانسیون چهارم لاهه 1907). پس از جنگ جهانی دوم که حقوق بین الملل بیش از پیش به جانب حمایت از حقوق انسانی متمایل شد، برای منع و مبارزه با شکنجه کوششی به سزا به عمل آمد. ماده پنجم اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر کرد: هیچکس نباید شکنجه شود یا در معرض رفتار یا مجازاتی ظالمانه، ضد انسانی یا تحقیر آمیز قرار گیرد. ماده 3 مشترک کنوانسیون های ژنو 1949، که بیانگر



حداقل تضمینات حقوقی نسبت به افراد در حین مخاصمات مسلحانه اعم از داخلی یا بین المللی محسوب می شود، چند عمل را در هر مکان و هر زمان ممنوع اعلام نمود. از جمله آن رفتار بی رحمانه شکنجه و آزار است.

### جایگاه قاعده منع شکنجه در شریعت اسلام (فقه)

#### 6-1-1 کتاب

امهات فرامین الهی برای هدایت بشر، ریشه در قرآن کریم دارند. در این کتاب شریف آنچه که موجب تعالی و رشد و یا انحطاط و سقوط انسان می گردد در کلمات و آیاتی موجز تبیین و ارائه گردیده است. خداوند در قرآن بعضی مفاهیم ارزشی و یا ضدارزشی را اصل و ریشه بسیاری از صفات نیک یا بد معرفی می نماید. از آنجا که استناد به قرآن کریم در جرم انگاری شکنجه ذیل آیات مرتبط با مقوله های عدالت و حرمت ایداء می باشد، با همین عناوین به مستند کتاب می پردازیم.

#### 6-1-1-1 عدالت

همانگونه که اشاره شد شکنجه از موارد ظلم و ناقض عقل مربوط می گردد. بدینسان، هرگونه کنش و واکنشی که بدون سبب و خارج از چارچوب عدالت منجر به آزار و اذیت دیگری گردد، ممنوع و حرام است و مرتکب آن مستحق مجازات و عقاب خواهد بود. آیات زیر به خوبی مبین این مدعا است: ان الله يامر بالعدل والاحسان و ايتاي ذى القربى وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغى (نحل، 90)؛ همانا خداوند به عدل و احسان و بخشش به خویشان فرمان می دهد و از فحشا و زشتکاری و ستم نهی میکند. تمام اوامر الهی نیز بر مبنای عدل استوارند: ان الله يامر بالعدل والاحسان (نحل، 90) و هرگز خداوند نه در تشریح و نه در تکوین، ظلم روا نمی دارد، حتی اراده ظلم هم نمیکند: وما الله يريد ظلماً للعباد (غافر، 31) اساس جهان هستی، خواه در آفرینش و خواه در نظام قانونگذاری بر پایه عدالت صورت می گیرد از سوی دیگر، شکنجه از مصادیق بارز ظلم، تعدی یعنی نقض عدالت می باشد و هر امری که ناقض اصل عدالت باشد، در اسلام ممنوع گردیده است. در نتیجه با توجه به مبانی یاد شده، هرگونه ظلم، جور، قتل، تعدی، تجاوز، تعذیب، ایداء، اهانت، و اضرار بدون سبب به غیر و یا به خود که باعث آزار و اذیت روحی و جسمی گردد، در اسلام مطلقاً حرام و مرتکب آن مستحق مجازات می باشد (نجمی، 1356: 280)

#### 6-1-2 حرمت ایداء

(ان الذين فتنوا المومنين والمومنات ثم لم يتوبوا فلهم عذاب جهنم ولهم عذاب الحريق) (بروج، 10) کسانی که مردان و زنان با ایمان را مورد شکنجه قرار دادند و سپس توبه نکردند عذاب دوزخ و عذاب آتش سوزان برای آنهاست. اسلام با استناد به آیه شماره 106 سوره مبارکه نحل می فرماید: (الا من اكره وقلبه مطمئن بالايمان) اقرار حاصل از شکنجه و اقرار را نافذ نمی



داندزیرا در این آیه خداوند اکراه را مسقط حکم اقرار به کفر قرار داده است از این رو به طریق اولی حکم اقرار به غیر کفر تحت تاثیر تعذیب نیز ساقط خواهد بود.

## 6-2- سنت

علاوه بر آیات قرآنی، روایات متواتر نیز ایذای غیر، چه جسمی و چه روحی را حرام اعلام کرده اند و همه صورت های متنوع تعذیب را نیز مشمول این ممنوعیت دانسته است (خویی، 1365:33) در کتب روایی به طور معمول فصول مختلفی به این موضوع اختصاص داده شده و شکنجه در قالب ابواب خاص با عناوینی مانند تحریم ایذاء المومن و تحریم اهانه المومن و خذلانه و... بررسی شده است که در اینجا به نمونه هایی از آنها اشاره میشود:

1- قال رسول الله: ان الله تعالى يعذب يوم القيامة الذين يعذبون الناس في الدنيا؛ (ابویوسف، 1352:125)

2- (يقال للجلواز ضع سوطك وادخل النار) روز قیامت به جلواز (مأمور شکنجه) گفته می شود که شلاق خود را به زمین بگذارد و وارد آتش شود. (ری شهری، 1362:6) بر طبق این روایات، اسلام به منظور ایجاد تزلزل در انگیزه شکنجه گر جهت اخذ اعتراف و کسب اطلاعات که هدف اصلی شکنجه را در عصر حاضر و دوران گذشته تشکیل می داده است و به دلیل زوال اختیار از بزه دیده، اقرارهای ناشی از تعذیب را فاقد اثر و اعتبار حقوقی قلمداد کرده است. اعتبار اقرار در گرو وجود شرایطی است که مهمترین آن ها آزادی و اختیار شخص در بیان مطلبی است که علیه خود اظهار می کند. در نتیجه، این انسان آگاه، مختار، قاصد، بالغ و عاقل است که در صورت ارتکاب جرم، مسئولیت کیفری دارد. از این رو فقهای اسلامی هر گونه تهدید و تخویف در جهت اخذ اقرار را موجب عدم اعتبار آن دانسته اند و آن با اصل برائت، آزادی انسان و قاعده تسلیط و مفاد آیات و روایاتی که بر حرمت ایذا غیر دلالت دارند، مغایر شمرده اند. در روایتی از علی (ع) آمده: من اقر بحد علی تخویف او حبس او ضرب لم یجز، ذلک علیه ولا یحد.

## 6-3- اجماع

صرف نظر از ادله مذکور، ممنوعیت شکنجه مبتنی بر اجماع نیز می باشد، افزون بر آنچه ذکر گردید، توصیف مجرمانه تعذیب موجودات زنده در حقوق اسلام به طریق اولی بر حرمت قطعی و مؤکد شکنجه انسان نیز دلالت خواهد داشت و از این رو حقوقدانان اسلامی آزار و تعذیب غیر را یکی از گناهان کبیره موجب واکنش های تعزیری می شمارند و بسیاری از احکام و فتاوی خود را در موضوعات مختلف بر پایه قاعده حرمت شکنجه و آزار دیگری و نیز آنچه بر ممنوعیت ایذای مومن و اهانت



به وی دلالت دارد ذکر کرده اند. (نجفی، 1356: 280) لذا همه ادله حرمت ایذای غیر، بدون کمترین تردید، بر حرمت و ممنوعیت شکنجه دلالت خواهد داشت زیرا شکنجه از برجسته ترین مصادیق ایذای غیر است.

فقیهان بر حرمت ایذای بدون سبب غیر، خواه مومن باشد، خواه مسلمان و خواه کافر ذمی، اتفاق نظر دارند و در سایر موارد نیز، بعضی از باب تجاهر به فسق، به عدم حرمت اقداماتی که موجب کراهت دیگری می گردد قائل شده اند، ولی در مجموع می توان گفت که اکثریت قریب به اتفاق فقیهان معتقدند که ایذای مردم با هر کیش و آیینی، بدون سبب حرام است و این مضمون در بعضی روایات نیز که موضوع را ناس و مردم قرار داده اند نقل گردیده است. از سوی دیگر، براساس روایاتی که پیشتر ذکر گردیدند فقها و حقوقدانان اسلامی نیز، اقرارهای ناشی از شکنجه را نافذ ندانسته اند و آنها را بی اعتبار دانسته اند که در ادامه به بخشی از فتاوی ایشان اشاره میشود: شیخ طوسی می فرماید: «و لایحب القطع ولا رد السرقة علی من اقر علی نفسه تحت ضرب او خوف» (شیخ طوسی، 6: 1358) کسی که زیر تهدید و فشار به ضرر خود اعتراف کرده باشد و مال به سرقت رفته نیز بازگردانده نشده باشد، در این صورت دست وی قطع نمیگردد. محقق حلی می گوید: «و یشرط فی المقر....: الاختیار.... و کذا لو اقر مکرهاً و لا یثبت به حد و لاعزم». (حلی، 1368: 174) اقرار کننده باید مختار باشد و در صورت اکراه حد و خسارتی اثبات نخواهد شد.

#### 6-4-عقل

عقل از چند جهت انجام فعل شکنجه را زشت و قبیح می شمرد و مرتکب آن را سزاوار توبیخ و مجازات میداند:

الف) عقل تایید می کند که خداوند به دلیل بی نیازی و داشتن قدرت مطلق، فعلی را با انگیزه تشفی جویانه و ستمگرانه انجام نمیدهد چرا که با حکمت او مغایرت دارد.

ب) سیاست اعمال شکنجه، بنا به دلیل عقل ناقص نظم عمومی و امنیت جامعه است، چرا که وجود چنین سیاستی موجب شکستن هنجارهای اجتماعی می شود و سیستم جزایی حاکم بر مردم را که باید مأمّن ستمدیدگان باشد به چالش می گیرد و آن را از اعتبار می اندازد؛ در نتیجه، خسارت جبران ناپذیر را در محیط اجتماع تا عمق زندگی شخصی افراد ایجاد می نماید.

ج) تحمیل شکنجه بر دیگری با اصول عقلی مانند اصل برائت و قاعده نفی سلطه کسی بر دیگری و نیز با کرامت ذاتی انسان منافات دارد و فقهای اسلام به حکم عقل، آن را ظلم و حرام دانسته اند (آشتیانی، 1363: 85)

#### 7- جایگاه قاعده منع شکنجه در حقوق جمهوری اسلامی ایران



به تبع دیدگاه اسلامی، در قوانین جمهوری اسلامی ایران نیز ممنوعیت شکنجه تصریح شده و تضمین‌هایی جهت جلوگیری از آن پیش‌بینی شده است. در این راستا در اصل 38 قانون اساسی آمده: «هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت، اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است و متخلف از این اصل، طبق قانون مجازات می‌شود.» در جهت احترام به این اصل قانون اساسی و تضمین اجرای آن مقرراتی در قوانین عادی مقرر گردیده است. مطابق ماده 570 قانون مجازات اسلامی هر یک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که برخلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد. همچنین ماده 578 قانون مزبور مقرر می‌نماید: «هر یک از مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیر قضایی دولتی برای آنکه متهمی را مجبور به اقرار کند او را اذیت و آزار بدنی نماید. علاوه بر قصاص با پرداخت دیه حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌گردد و چنانچه کسی در این خصوص دستور داده باشد، فقط دستور دهنده به مجازات حبس مذکور محکوم خواهد شد و اگر متهم بواسطه اذیت و آزار فوت کند مباشر مجازات قاتل و آمر مجازات قتل را خواهد داشت.» ماده 176 آیین نامه قانونی و مقررات اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور که در تاریخ 1372/1/7 به تصویب رئیس قوه قضائیه رسیده نیز در این زمینه می‌گوید: «تندخوانی، دشنام، ادای الفاظ رکیک یا تنبیه بدنی زندانی و اعمال تنبیهات خشن و مشقت بار و موهن در زندان‌ها بکلی ممنوع است...».





## 8- ممنوعیت شکنجه از منظر نظام حقوق بین الملل

ممنوعیت شکنجه یکی از مهم‌ترین ارزش‌های اساسی جوامع دموکراتیک به شمار آمده (شاهال، دادگاه بریتانیا) و حق آزادی از شکنجه به عنوانی حق مطلق و غیر قابل انحراف (غیر قابل تعلیق) در نظام بین‌المللی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده و جزء قواعد آمره بین‌المللی محسوب می‌گردد.

### 8-1- معاهدات و اسناد بین المللی

در میان مقررات اسناد بین المللی که شکنجه را به طور مطلق منع می‌کنند، ماده 3 مشترک کنوانسیون‌های 1949 ژنو از هر جهت حائز اهمیت است. (ممتاز ورنجریان، 1384: 38-47). کمیته با یادآوری این نکته که رعایت ماده 3 بدون قید و شرط مقرر شده و استثنا بردار نبوده و عذری در نقض آن پذیرفته نیست و در نتیجه نقض آن در مقام مقابله به مثل هم ممنوع می‌باشد، به تصریح می‌گوید که این ممنوعیت‌ها جنبه مطلق و همیشگی دارد، لازم به ذکر است که مطالعات مفصل و چندساله کمیته بین المللی صلیب سرخ در باب حقوق بشردوستانه عرفی، مبنای مسلم عرفی شکنجه در زمان مخاصمات را تأیید می‌

کند. حق به شکنجه نشدن در میثاق حقوق مدنی و سیاسی 1996 نیز به همین نحو مطلق تحت حمایت قرار گرفته است. مطابق ماده 4 میثاق، حقوقی مانند حق حیات یا شکنجه نشدن در هیچ حالتی تعطیل بردار نیست و حتی در زمان بحران و خطر فوق العاده برای موجودیت یک ملت نیز موجهی برای تضییع آنها نیست. در واقع نمی‌توان به هیچ عنوان حتی به نام دفاع از امنیت، حقوق بنیادین بشر را نقض کرد.

### 8-2- رویه قضایی

برپایه مطلق شکنجه در نظام حقوق بین الملل، مراجع مختلف قضایی بر ممنوعیت مطلق شکنجه مهر تأیید زده اند. در این خصوص برخی آرای دیوان اروپایی حقوق بشر سررشته محکمی به دست ما می‌دهند. دیوان اروپایی در رای سال 1989 در پرونده soering، شکنجه را "ممنوعیتی مطلق" قلمداد می‌کند که یکی از ارزش‌های جوامع دموکراتیک را می‌نمایاند.

### 8-3- رویه سازمان‌های بین المللی و دولت‌ها

از نظر شورای امنیت تلاش برای حفظ امنیت و مبارزه با تروریسم، که حق بلکه وظیفه دولت‌هاست، باید با رعایت حقوق بشر پیش برود. به دیگر سخن دولت‌ها در این مبارزه از قدرت نامحدود برخوردار نیستند و مقابله با تروریسم باید به طور قانونی و با رعایت محدودیت‌های حقوق بشری انجام شود. مطابق حقوق بین الملل، رعایت حق انسان‌ها به شکنجه نشدن هم نسبت به شهروندان خود لازم است و هم نسبت به اتباع بیگانه و هیچ دولتی از این بابت معافیت ندارد.



## 9- نتیجه گیری

در زمان‌های قدیم شکنجه نه تنها ممنوع نبوده است بلکه معمول‌ترین راه برای کسب اقرار از متهمان محسوب می‌شده و در کشورهای مختلف، چه در شرق و چه در غرب، اعمال می‌شده است. لیکن به مرور ایام، منع شکنجه، ابتدا در تمدن‌های شرق و ادیان الهی و سپس در قوانین کشورهای اروپایی، مورد تأکید قرار گرفت و حتی به معاهدات بین‌المللی راه یافت. نظام حقوقی اسلام با منابع وحیانی و نورانی خود، به صراحت مبین تحریم شکنجه است. بخش‌های مختلف این مقاله در تبیین این مهم کوشیده و بجا است تا در جانبداری این پدیده شوم، دست از تمسک به توجیحات نا موجه برداشته شود، چه شارع مقدس به دلالت ادله به اندازه کافی در تحریم شکنجه کوشیده و اهتمام فقهای سلف طبق آراءشان نیز، مؤید این مطلب است. جمهوری اسلامی ایران نیز از نادر کشورهای است که متأثر از مبانی فقهی و منابع شرعی مورد الهام خود یکی از اصول قانون اساسی را به ممنوعیت شکنجه اختصاص داده و در قوانین جزایی نیز به توصیف مجرمانه آن پرداخته است. کوتاه سخن آنکه حقوق بین‌الملل نیز به اقتضای باور به حیثیت و ارزش شخصیت انسان، شکنجه را به نحو مطلق نهی و منع می‌کند و جسم و روان انسان‌ها را در همه حال از هر نوع تعرض مصون می‌خواهد. بر همین مبناست که قاعده منع شکنجه به عنوان یکی از قواعد امره حقوق بین‌الملل و موجد تعهد در مقابل جامعه بین‌المللی مطرح می‌شود.

## الف- فهرست منابع فارسی (کتاب و مقالات)

- 1- اردبیلی، محمدعلی، حقوق بین‌المللی کیفری (گزیده مقالات) میزان، تهران، 1383 ه.ش
- 2- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، جلد 2، گنج دانش، تهران، 1378 ه.ش
- 3- حسینی طهرانی، سید محمد حسین؛ ولایت فقیه در حکومت اسلام، جلد 4
- 4- ری شهری، محمد، میزان الحکمه، جلد 6، سازمان تبلیغات اسلامی، 1362 ه.ش
- 5- نفیسی، علی اکبر، فرهنگ ناظم الاطباء، جلد 3، انتشارات خیام، تهران، (بی تا)
- 6- منتظری، حسینعلی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، محمود صلواتی، نشر سرایی، تهران 1379 ه.ش
- 7- ممتاز، جمشید، رنجبریان، امیرحسین، "حقوق بین‌الملل بشردوستانه"، نشر میزان، تهران، 1384

## ب- فهرست منابع غیر فارسی

- 1- آشتیانی، میرزا حسن، القضاء، موسسه منشورات دارالجهره، قم، 1363 ه.ش



- 2- ابويوسف، يعقوب بن ابراهيم، الخراج، دارالمعرفه، بيروت، 1352 ه.ش
- 3- الطوسي، محمد بن الحسين بن علي ، دارالكتاب العربي، موسسه فقه شيعه، بيروت، 1400 ه.ق
- 4- حسيني شيرازي، سيد محمد، الفقه، جلد 47، دارالعلوم، بيروت، 1409 ه.ق
- 5- حلي، شيخ جعفر بن شيخ حسن، المختصر النافع، موسسه مطبوعات ديني، قم، 1368 ه.ش
- 6- خويي، ابوالقاسم، مصباح الفقاهه، جلد 1، ناشر لطفی و دارالهادي، قم، 1407 ه.ق
- 7- شهيد ثاني، زين الدين بن علي، مسالك الأفهام، جلد 11، موسسه معارف اسلامي، قم، 1398 ه.ق
- 8- علامه مجلسي، محمد باقر، بحار الانوار، جلد 72 ، موسسه الوفا، بيروت، 1403 ه.ق
- 9- لنكراني، محمد فاضل، تفصيل الشريعة في شرح تحرير الوسيلة مركز فقه الأئمة الأطهار، قم، 1422 ه.ق
- 10- نجفي، شيخ محمد حسين، جواهر الكلام، جلد 2، دارالكتب اسلاميه، قم، 1398 ه.ق

11- Christine Sen, 1998, Encyclopedia Britanica, multi media edition

12- Hawkins, Joyce, 1989, the oxford reference Dictionary , oxford university